

جلوه‌های عظمت زینب کبری(س) از سه منظر

استاد شهید مرتضی مطهری،امام موسی صدر و زنده‌یاد دکتر علی شریعتی کدام وجوه از شخصیت عقیده‌بنی‌هاشم(س)را اعجاب‌آور توصیف کرده‌اند؟

جواد نوائیان رودسری –سید نورالدین جزائری در کتاب «خصائص الزینبیه» ،روایتی را از رسول‌خدا(ص)، درباره اهمیت شناخت شخصیت زینب کبری (س)و جایگاه‌والای آن حضرت نقل می‌کند؛ پیامبراکرم(ص) فرمود: «حاضران اُمّتُم، غایبان را از کرامت این دخترم، زینب، آگاه کنند؛ همانا او مانند جده‌اش خدیجه است.» تشبیه زینب کبری (س) به مادر بزرگ عالی‌قدر و والامقامش، ام‌المؤمنین خدیجه کبری (س)، در لسان حضرت ختمی مرتبت(ص)، از دو وجه قابل بررسی است؛هم‌خبر از عظمت شخصیت وجایگاه کم‌نظیر آن بانوی بزرگوار می‌دهدوهم در مقام قیاس،روایت صوری و مقاومت حضرت زینب(س) را مانند جدّه‌اش پیش‌بینی می‌کند. می‌دانیم که حضرت خدیجه(س)، به ویژه در سال‌های پایانی حیات مبارکش در «شعب‌ابوطالب»، سختی‌های فراوانی را تحمل کردودشمنی‌های بسیاری را به چشم دید؛ اما هرگز دست از حمایت همسر گرامی‌اش، رسول‌خدا(ص) بر نداشت و تا پای جان، برای حمایت از اسلام، صوری و پایداری کردوشگفتا که زینب کبری (س) نیز، در واقع کربلا، همچون مادر بزرگ ارجمندش، در مسیر صبر و مقاومت گام برداشت و به اسوه صبر و شکیبایی تبدیل شد. با آن‌که شناخت شخصیت و سیره بانوی بزرگ انقلاب کربلا، از اوجب واجبات و ضروریات است، به دلیل کمبود منابع یا دسترسی نداشتن به آن‌ها، نگارش اثر جامعی درباره زندگی آن حضرت تا دوران معاصر به تأخیر افتادو در عصر ما، افزون بر آثار متعددی که درباره زندگی

و شخصیت حضرت زینب(س) به رشته تحریر در آمد، مانند کتاب «زینب(س) دختر علی(ع)»، اثر خواندنی دکتر عایشه بنت‌الشاطی که بی‌نیاز از معرفی و توضیح است و ترجمه نیک زنده‌یاد علامه سیدجعفر شهیدی و چندی دیگر از بزرگان، بهره‌مندی از مطالعه آن را برای خوانندگان فارسی‌زبان آسان کرده،دیگر متفکران بزرگ جهان اسلام، به ویژه ایران، در این باره سخنرانی‌هایی هیجان‌انگیز و مقالاتی علمی و قابل استفاده به رشته تحریر در آورده‌اند که شاید با برخی از آن‌ها آشنایی داشته‌باشید. توجه به مقام زینب کبری (س) و نقش آن حضرت در انتقال پیام عاشورا، به ویژه در دوران انقلاب و بعد از آن، در سال‌های دفاع مقدس، با توجه به الگو بودن سیره دختر امیرمؤمنان(ع)، بیشتر شد و طولی نکشید که آن سیره نورانی از غربت به آمد و خوشبختانه، در روزگار ما، مردم بیش از هر زمانی، بازنگی، سخنان و مبارزات بانوی بزرگ کربلا آشنایی دارند. امروز، در سالروز ولادت آن درانه پیامبر خدا(ص) و میوه دل‌علی و زهرای اطهر علیهم السلام، بهترین زمان برای عمل به سفارش خاتم‌المرسّلین(ص) است. به همین دلیل، در صفحه اندیشه امروز، با هم فرازهایی از سخنرانی سه‌شخصیت شناخته‌شده معاصر، یعنی شهید مطهری،امام موسی صدر و دکتر علی شریعتی را درباره زندگی، مبارزاتو جایگاه معنوی حضرت زینب(س) مرور می‌کنیم؛ به این امید که نقشی در شناخت بیشتر شما خوانندگان ارجمند از آن بانوی گرامی داشته‌باشد.



زینب(س)؛اسوه صلابت واقتدار

امام موسی صدر

این صحنه دلهره‌آور را تصور کنید؛ زنان و فرزندان را در برابر اجساد آورده‌اند، هر یک از زنان، برادر، همسر یا فرزندی در میان کشته‌شدگان دارد اما گریه نمی‌کند. آن‌ها وظیفه داشتند از زینب(س) پیروی کنند. حضرت زینب(س) سرور آن‌ها بود، پس در همه امور او پیروی می‌کردند. پشت سر حضرت زینب(س) می‌رفتند. حضرت زینب(س)، در جلوی آن‌ها به جسد پاره‌پاره امام حسین(ع) رسید، جسدی که حتی یک عضو سالم در آن دیده نمی‌شد. زینب(س) آمد و نزدیک حسین ایستاد؛ سنگ‌ها و نیزه‌ها و شمشیرها را کنار زد و پا دو دستش، جسد امام حسین(ع) را بلند کرد و گفت: «اللهم تقبل منا هذا القربانی.» (خداندا! این قربانی را از ما بپذیر.) این قهرمانی را تصور کنید. حسین(ع) برای زینب(س) همه چیز است. بزرگان، قهرمانان و کوه‌ها در برابر این صحنه ناتوانند، اما زینب(س) ابداً چنین نیست. با این سخن، حضرت زینب(س) اعلام کرد که این کار به اراده و خواست خودمان بوده‌است، نه این که بر ما تحمیل شده‌باشد. هیچ‌کس نگفت بیایید و کشته شوید. هیچ‌کس نگفت که بر خیزید و هیچ‌کس از ما این کار را نخواست. ما با آزادی کامل آمدیم و آن را برگزیدیم. آن‌چه به دست آورديم، نتیجه خواست و اراده خودمان است. ما حسین(ع) را برای دین خدا قربانی کردیم و از خدا می‌خواهیم که این قربانی را از ما بپذیرد و چیزهای دیگر، اصلاً مهم نیست. چنان که در مجلس ابن‌زید، وقتی از او می‌پرسند: چگونه یافتنی آن‌چه را خداوند با برادرت کرد؟ گفت: «وا... ما رأیت الا جمیلاً، هؤلاء رجال کتب... علیهم القتل، فبرزوا إلیّ مضاجعهم» (به خدا سوگند، جز زیبایی چیزی ندیدم. آنان مردانی بودند که خداوند مرگ را بر ایشان مقدر کرده‌بود و به سوی آرامگاه‌شان رفتند). بی شک پس از این موضع حضرت زینب(س) در برابر شهادت سیدالشهدا(ع)، دیگر زنان تکلیف خود را در برابر شهیدانشان، دانستند. چرا که هنگام ناله و شیون و اظهار ناتوانی نبود بلکه زمان قدرت و صلابت بود و باید به جهانیان اعلام می‌شد ما به این جا آمدیم و می‌دانستیم چه رخ خواهد داد. با آسودگی آن‌را اراده کردیم و به سوی آن گام برداشتیم وتلاش کردیم و از خداوند می‌خواهیم که آن‌را از ما بپذیرد و اگر کارزار، بیش از این فداکاری می‌خواهد، ما آماده‌ایم. بنابر این، نقش حضرت زینب(س)، این است که رسالت امام حسین(ع) وحضور عزمندانوه شرافتمندانهاش در نبر دراتمام کند. من به آن‌چه از ناتوانی‌ها و شیون‌ها و ناله‌های امام حسین(ع) با زنان وخاندان آن حضرت نقل و خوانده می‌شود، اعتقادی ندارم. به هیچ عنوان به این مسائل اعتقاد ندارم. امیدوارم این مسائل مطرح نشود، چرا که این مسائل، منحرف کردن پیام حرکت امام حسین(ع) و مأموریت اوست. هرگز نشانی از نشانه‌های سستی در حسین(ع) پدیدار نشد، نه بر او و نه بر یاران وزنانش. این رسالت بزرگی بود که حسین(ع) آن را به انجام رساند و کاری بود که حضرت زینب(س) نیز در میان زنان انجام داد.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی امام موسی صدر



عصر عاشورا؛هنگام تجلی زینب کبری(س)

استاد شهید مرتضی مطهری

در حماسه حسینی آن کسی که بیش از همه این درس را آموخت و بیش از همه این پرتو حسینی بر روح مقدس او تابید، خواهر بزرگوارش زینب(س) بود. راستی که موضوع عجیبی است. با آن عظمتی که از اول داشته‌است - و آن عظمت را در دامن زهر(س) و از تربیت علی(ع) به دست آورده‌بود- زینب بعد از کربلا باز بنیب قبل از کربلا متفاوت است، یعنی زینب(س) بعد از کربلا یک شخصیت وعظمت بیشتری دارد... همین که ایام عاشورا سپری می‌شود و زینب(س)، حسین(ع) را با آن روحیه قوی ونیرومندو با آن دستور العمل‌ها می‌بیند، زینب دیگری می‌شود که دیگر احدی در مقابل او، کوچک ترین شخصیتی ندارد. از عصر عاشورا زینب(س) تجلی می‌کند. از آن به بعد، کارها همه به او واگذار شده‌بود. رئیس قافله اوست؛ چون یگانه مرد قافله، زین العابدین(ع) است که در این وقت به شدت مریض است و احتیاج به پرستار دارد. [زینب(س) داغ برادر دارد، عزادار است، اصلاً مجلس عزای حسین(ع) را برای او لاین بازنیب(س) ساخت؛ ولی در عین حال، از وظایف خودش غافل نیست. کاروان را حرکت دادندو بردند در حالی که زینب(س) شاید از روز تاسوعا، اصلاً خواب به چشمش نرفته‌است. سرهای مقدس را قبلاً به کوفه فرستاده بودند. تقریباً دو ساعت بعد از طلوع آفتاب، در حالی که اسراواراد کوفه می‌کردند، دستور دادند سرهای مقدس را به استقبال آن‌ها ببرند که با یکدیگر بیایند. وضع عجیبی است، غیر قابل توصیف! دم‌درازه کوفه (دختر نعلی، دختر فاطمه علیهم السلام، این جاتجلی می‌کند) این زن با شخصیت، خطابه‌ای می‌خواند. روایان چنین نقل کرده‌اند که در یک موقع خاصی، زینب(س) موقعیت را تشخیص داد: «وَقَدْ أَوْمَأْتُ» دختر علی(ع) یک اشاره کرد. عبارت تاریخ این است: «وَقَدْ أَوْمَأْتُ الی الناس انْ اُسْکُتُوا فَانْثَرْتُ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَنَتِ الْأَجْرَاسُ» یعنی در آن هیاهو و غلغله که اگر دهل می‌زدند صدایش به جایی نمی‌رسید، گویی نفس‌ها در سینه‌ها حبس و صدای زنگ‌ها و هیاهوها خاموش شد... خطبه‌ای خواند. راوی گفت: «وَلَمْ أَرَ وَاللهُ خَفَرَةً قَطْ أَنْطَلِقُ مِنْهَا.» این «خفر» خیلی ارزش دارد. «خفر» یعنی زن باحیا. این زن نیامد مثل یک زن بی‌حیا حرف بزند. زینب آن خطابه را در نهایت عظمت القا کرد. در عین حال دشمن می‌گوید: «وَلَمْ أَرَ وَاللهُ خَفَرَةً قَطْ أَنْطَلِقُ مِنْهَا» یعنی آن حیای زنانگی از او پیدا بود. شجاعت علی(ع) با حیای زنانگی در هم آمیخته‌بود. راوی گفت: گویی سخن علی(ع) از دهان زینب(س) بیرون می‌ریزد، گویی که علی(ع) زنده‌شده‌وسخن او از دهان زینب می‌ریزد. می‌گوید وقتی حرف‌های زینب – که مفصل نیست، ده، دوازده سطر بیشتر نیست – تمام شد، مردم را دیدم که همه، انگشتانشان را به دهان گرفته و می‌گزیدند. این است نقش زن به شکلی که اسلامی خواهد؛ شخصیت [شجاع و آگاه،] در عین حیا، عفاف، عفت، پاک‌ی و حریم. تاریخ کربلا به این دلیل مذكر – مؤنث است که در ساختن آن، هم جنس مذكر عامل مؤثری است ولی در مدار خودش و هم جنس مؤنث، اما در مدار خودش. این تاریخ به دست این دو ساخته شد.

منبع: مجموعه آثار شهید مظهری، جلد ۱۷



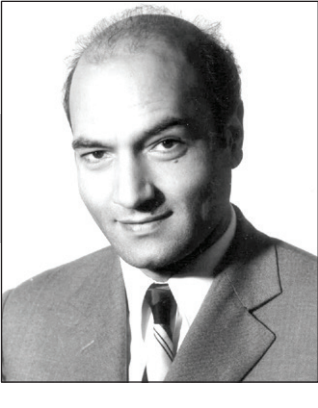
رسالت زینب(س)؛رساندن پیام شهادت

دکتر علی شریعتی

رسالت زینب(س) رساندن پیام شهادت به گوش دنیاست. زبان گویای خون‌های جوشان وتن‌های خاموش، در میان مردگان متحرک بودن است. رسالت پیام، از عصر عاشورا آغاز می‌شود. این رسالت بر دوش‌های ظریف یک زن، «زینب(س) است؛ زنی که مر دانگی در کاب او جوانمردی آموخته‌است؛ و رسالت زینب(س) دشوار تر و سنگین‌تر است از رسالت برادرش. آن‌هایی که گستاخی آن‌ها دارند که مرگ خویش را انتخاب کنند، تنها به یک انتخاب بزرگ دست زده‌اند اما کار آن‌ها که از آن پس زنده می‌مانند، دشوار است و سنگین. وزینب(س) مانده‌است، کاروان اسیران در پی‌اش وصف‌های دشمن، تافق، در پیش راهش و سالت رساندن پیام برادر بر دوشش. وار دشهر می‌شود، از صحنه بر می‌گردد، آن باغ‌های سرخ شهادت را پشت سر گذاشته‌و از پیراهنش بوی گل‌های سرخ به مشام می‌رسد. وار دشهر جنایت، پایتخت قدرت، پایتخت ستم و جلادی شده‌است، آرام، پیروز، سراپا افتخار، بر سر قدرت وقساوت، بر سر بردگان مزدور و جلادان و بر دگان استعمار واستبداد فریادی‌زند: «سیاس خداوند را که این همه کرامت و این همه عزت به خاندان ما عطا کرد: افتخار نبوت، افتخار شهادت...» زینب(س) رسالت رساندن پیام شهیدان زنده اما خاموش را به دوش گرفته‌است، زیر پس از شهیدان، او به جا مانده‌است و اوست که باید زبان کسانی باشد که به تبع جلادان زبان‌شان بریده‌است. اگر یک خون پیام نداشته باشد، در تاریخ گنگ می‌ماند و اگر یک خون پیام خویش را به همه نسل‌ها نرساند، جلاد، شهید را در حصار یک عصر و یک زمان محبوس کرده‌است. اگر زینب(س) پیام کربلا را به تاریخ باز نگوید، کربلا در تاریخ می‌ماند و کسانی که به این پیام نیازمندند از آن محروم می‌مانند و کسانی که با خون خویش، با همه نسل‌ها سخن می‌گویند، سخنشان را کسی نمی‌شنود؛ این است که رسالت زینب(س) سنگین و دشوار است. رسالت زینب(س) پیامی است به همه انسان‌ها، به همه کسانی که بر شهادت حسین(ع) می‌گزیندو به همه کسانی که در آستان حسین(ع) سر به خضوع و ایمان فرود آورده‌اند و به همه کسانی که پیام حسین(ع) را که «زندگی هیچ نیست، جز عقیده و جهاد» معترفند؛ این پیام زینب(س) به آن‌هاست: «ای همه، ای هر که با این خاندان پیوند و پیمان داری و ای هر کس که به پیام محمد(ص) مؤمنی، خود بیندیش، انتخاب کن! در هر عصری و در هر نسلی و در هر سرزمینی که آمده‌ای، پیام شهیدان کربلا را بشنو، بشنو که گفته‌اند: کسانی می‌توانند خوب زندگی کنند که می‌توانند خوب بمیرند و پیام اوست به همه بشریت که اگر دین دارید، «دین» و اگر ندارید «حریت». آزادگی بشر، مسئولیتی بر دوش شما نهاده‌است که به عنوان یک انسان دیندار یا انسان آزاده، شاهد زمان خودو شهید حق و باطلی که در عصر خود در گیر است، باشید که شهیدان ما ناظرند، آگاه‌اند، زنده‌اند و همیشه حاضرند و نمونه عمل‌اند و الگو هستند و گواه حق و باطل و سرگذشت و سرنوشت انسان‌اند.»

منبع: متن سخنرانی با عنوان «شهادت»

در کتاب «حسین(ع) وارث آدم»



مناسبت

به مناسبت روز بزرگداشت شیخ مفید

فخر فقها و مؤلف آثار گران‌بها



گروه اندیشه – امروز در تقویم رسمی ما، روز بزرگداشت عالم نامدار جهان تشیع، شیخ مفید –اعلی‌... مقامه– است؛ فقیه ومحدثی بزرگ که بر اثر همت وتلاش او، میراث ارزشمندی برای دوستداران مکتب اهل بیت(ع) باقی‌ماند که در بر گیرنده حوزه‌های گوناگون معرفتی است. شیخ مفید در عکبری، روستایی نزدیک بغداد به دنیا آمد؛ اما کسی سال دقیق ولادت وی را نمی‌داند؛ برخی آن را سال ۳۳۶ و برخی دیگر ۳۳۸ هجری قمری دانسته‌اند. او بعدها برای تکمیل دانش خود سفرهایی به اقصی نقاط جهان اسلام داشت. اخباری که از علمای هم‌عصر وشاگردان شیخ مفید به دست ما رسیده‌است، او را فردی بسیار فروتن وزاهد معرفی می‌کند؛ آن‌گونه که وقتی در یک جمع ناشناس قرار می‌گرفت، هرگز به خودنمایی نمی‌پرداخت و کسی نمی‌توانست شیخ وجایگاهش را بشناسد. ابویعلی جعفری، شاگرد و داماد شیخ مفید که زمانی طولانی را با او محصور بوده‌است، می‌گوید: هیچ‌گاه شیخ را از چهار حالت بیرون ندیدم؛ یا به نماز ایستاده‌بود، یا قرآن تلاوت می‌کرد، یا به مطالعه اشتغال داشت یا شاگردانش از وی کسب فیض می‌کردند وتدریس می‌فرمود. با این حال، هیچ‌گاه از احوال محرومان و نیازمندان غافل نمی‌شد و بسیار پیش می‌آمد که شب‌هایی را صرف رسیدگی به مستمندان و تأمین نیازهای آن‌ها می‌کرد.

■ **راز لقب «مفید»**

شیخ مفید را عالمی باهوش، سریع‌الانتقال، حاضر جواب ونوآور توصیف کرده‌اند. شیخ طوسی از شاگردان برجسته شیخ مفید، او را برجسته‌ترین عالم زمان خود در بیان و کلام می‌داند. ابن‌ندیم در کتاب مشهور خود «الفهرست»، شیخ مفید را «رئیس متکلمان شیعه» وپیشوای همگان در علم کلام می‌داندو می‌گوید که وی بر دانشمندان زمان خود برتری داشت ودر مباحثه ومناظره، بی‌همتا بود. اتفاقاً لقب «مفید» را هم در یکی از همین مناظره‌ها به وی دادند. شیخ در مناظره‌ای با علی بن عیسی رُمَانی، عالم معتزلی مذهب، چنان با بیان و استدلال‌های خود، دیدگاه‌های وی را باطل معرفی کرد که خود رُمَانی لب به تمجید از شیخ مفید و او را «مفید» نامید. البته برخی نیز، معتقدند لقب «مفید» از سوی امام‌زمان (عج) به‌وی داده‌شده‌است. شیخ مفید در مسیر علمی خود نه‌گرفتار مقل‌گرایی افراطی می‌شد و نه مانند اهل حدیث، در مسیر ضدیت با عقل، راه افراط می‌پیمود و همواره رویکردی میانه و معتدل داشت. همین مسئله، مجال مناظره و گفت‌وگوی بیشتر او را بزرگان دیگر مذاهب اسلامی فراهم می‌کرد.

■ **استادان فرهیخته، شاگردان نام‌آور**

شیخ مفید در محضر استادان بسیار برجسته و شناخته‌شده‌ای به کسب علم پرداخت؛ شیخ صدوق، ابن‌جنید اسکافی وابن‌قلویه از استادان نامدار شیخ مفید بودند. علاوه بر این‌ها، شیخ برای شناخت اندیشه دیگر مذاهب اسلامی و آشنایی با مکاتب کلامی عصر خود، در درس علمای غیر شیعی نیز حاضر می‌شد که از میان آن‌ها می‌توان به حسین بن علی بصری مشهور به «جُعَل» اشاره کرد. شیخ مفید پرورش‌دهنده شاگردانی بود که تعدادی از آن‌ها در زمره بزرگ‌ترین دانشمندان وعلمای جهان تشیع قرار دارند؛ سیدمرتضی، سیدرضی، شیخ طوسی، نجاشی، سلار دیلمی و ابوالفتح کراجکی نام‌های بسیار آشنایی برای اهل علم و به‌ویژه طلاب علوم دینی هستند که همگی افتخار شاگردی شیخ مفید را داشته‌اند.

■ **گستره آثار**

او در تألیف آثار نیز از نام‌آوران تاریخ تشیع است. کتاب «الارشاد» وی در شرح زندگی ائمه اطهار(ع) یکی از مشهورترین منابع پژوهشی محسوب می‌شود. افزون بر این‌ها، کتاب‌های «المُقتعه» وی در علم فقه و «اوائل المقالات» در دانش کلام از جمله معروف‌ترین آثار شیخ محسوب می‌شوند که هنوز در مراکز علمی جهان کاربرد و مراجعه فراوانی دارند. وی تک‌نگاری‌های تاریخی بسیار مهمی نیز دارد که «الجمل» یکی از معروف‌ترین آن‌هاست؛ کتابی که با اسناد و مدارک گوناگون به بررسی جنگ جمل می‌پردازد. شیخ مفید اِپس از درگذشت، ابتدا در خانه‌اش دفن کردند وچندی بعد، چنان که نجاشی در کتاب «رجال» خود آورده‌است، به کاظمین انتقال دادند و در جوار حرم مطهر امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع) به خاک سپردند.